

## مرگ جمهوری اسلامی را فریاد بزیم!

قیام ملت ایران که کمتر از یک انقلاب شکوهمند واقعی نیست، برعلیه نظام سنگسار اسلامی آغاز شده و به وقوع پیوسته و تا پیروزی و آزادی راه درازی در پیش رو ندارد. غرش رعدآسای گام های استوار جوانان و دختران و پسران شجاع ایرانزمین بر خیابان های ایرانشهر، جهان را به بهت و حیرت انداخته است. زمین لرزه ای به پا شده که این روزها خواب از چشم نه فقط رهبر شیره ای مسلمین جهان، که خواب از چشم دیکتاتورهای ریز و درشت جهان نیز ربوده است. قیام ملت ایران بر ضد خونخوارترین و پلیدترین و تبه کارترین نظام استبدادی حاضر، بدون شک موجی از امید در دل مردم اسیر اسلام و اسیر طالبان و سربران مسلمان در کشورهای موسوم به اسلامی ایجاد خواهد کرد.

به جرأت می توان گفت که با پیروزی ملت ایران بر رژیم تجاوز اسلامی، آن پدیده شومی که به نام تروریسم اسلامی و بنیادگرایی اسلامی معروف گشته است از جهان برخواهد افتاد و اسلامخواهان برای ابد آنچنان محاصره و منزوی خواهند گشت که فرزندانمان و نسلهای آینده به جز با مراجعه به اسناد تاریخی، وجود چنین آدمخواران و خونریزانی چنین پلید را باور نخواهند کرد.

امروز آن شیرزبان ایرانی که وصفشان را بارها شنیده ایم و در تاریخ و اشعار و منظومه ها و حماسه های فرهنگ ایرانزمین ستایش شده اند، آنان را در خیابان های تهران و سایر شهرهای ایران به چشم خود عیان می بینیم. امروز گردآفریدها و پوراندخت ها و آذرمیدخت ها، امروز کیسیای مرزبان و آناهیتا فرمانده نیروی دریایی هخامنشیان و طاهره قره العین را به چشم خود می بینیم.

امروز پسران برومند ایران جان، یادآور بابک خرمدین و مازیار و بهمن جازویه و روزبهان خراسانی اند که مرگ نظام نکبت الهی را فریاد می کشند.

به هوش باشیم، خیابان ها را ترک نکنیم و تا گرفتن نتیجه مطلوب که همانا سقوط و سرنگونی و برافتادن نظام اسلامی است- و یا اگر بهتر می پسندید، انحلال، اضمحلال و یا هر واژه و اصطلاح و مفهوم دیگری که گویای مقصود نگارنده است- از پای ننشینیم.

اگر ملت ایران خیابان ها را ترک کند و فریب آیت الله های مکار و نیرنگ باز و دشمن آزادی نظیر صانعی و اردبیلی و منتظری و سایر آخوندهای به ظاهر لایت و خوش خیم که مردم را به آرامش دعوت می کنند را بخورد و به خانه ها باز گردد،

اگر ما مردم هنوز دچار ذره ای توهم اصلاح طلبی بوده باشیم و اصلاح طلبان و دوم خردادی های ورشکسته و دودوزه باز بتوانند با دعوت به آرامش و تحت شعارهای اسلامی و با الله اکبر و یا حسین، جنبش براندازی ملت ایران را به استحاله بکشانند و ما را به کمتر از نفی و انکار جمهوری اسلامی در تمامیتش راضی و قانع سازند، بطوریکه قبل از سرنگونی نظام سنگسار اسلامی به خانه ها برگردیم،

اگر از خشونت و سرکوب مأموران و پاسداران و بسیجی ها و دیگر اوباش رژیم اسلامی بترسیم و یا با دلنگرانی های پیش پا افتاده و بی منطقی نظیر توقف کار و کسب و خسارت های بی ارزشی مانند شکستن شیشه ها و آتش گرفتن چند بانک و اتومبیل از پرداختن این کمترین هزینه ها سرباز زنیم...

آنوقت یقین بدانید که جامعه و ملت ایران برای یک دوره ای که طول و دوام آن غیرقابل پیش بینی است، گرفتار آنچنان اختناق و سرکوب و استبداد وحشیانه و خونریز و پر از شکنجه و مرگ و اعدام و سنگساری خواهد شد که سال های سیاه و اهریمنی دهه شصت را آرزو کند.

انسان سنگی را که برای کوبیدن بر سر جانوری وحشی که قصد جاننش را کرده از زمین بر می دارد،

باید با تمام نیرو و توان به هدف بکوبد. اگر در میانه راه دچار تزلزل شود باخته است. باید مرگش را پیش چشم ببیند. چنانچه حکومت اسلامی از این مرحله مرگ و زندگی جان به سلامت در ببرد و خود را بازسازی کند، همچون ماری زخمی تک تک ما را که در خیابان ها آرزوی مرگش را فریاد زدیم، می گزد و می کشد. تمام فیلم ها و عکس ها و تصاویر مبارزان را یک به یک بررسی خواهد کرد و در سر فرصت به سراغمان خواهد آمد.

جمهوری اسلامی در روز دوشنبه (۲۵ خرداد ۸۸) با قتل حداقل هشت تن از معترضین در تهران و در برابر چشم جهانیان، ماهیت خونریز و جنایتبار خود را برای هزارمین بار به نمایش گذاشت. اکنون تصور کنید که برای این مارزخمی فرصت و سکوت مطلوبش را فراهم کنیم تا از سرتاسر ایران سیاه چاله ای به تاریکی غار حرا و عمق چاه جمکران بسازد و کینه و نفرت آیت الله ها را از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر با قتل عام و ترور دگراندیشان و مخالفان خود تسکین دهد و هر فروزه نیک و فکر زیبا و هر وجود ارزشمندی را در خود ببلعد.

مشاهده کنید که یک تن از اهریمنان آدمخوار- بسیار پیش از ماجرای انتخابات- در باره قیام احتمالی ملت ایران چه می گوید:

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد علم الهدی صبح روز سه شنبه در دیدار جمعی از فرماندهان، مسوولان و مربیان عقیدتی - سیاسی سپاه امام رضا(ع) در مشهد تصریح کرد: «هر جریانی که در عرصه سیاست کشور روی کار آید و پرچم مردم را در برابر رهبری، ولایت، خدا و نظام بردارد، باید مچ او را گرفت و آن را نابود کرد چرا که این جریان، جریان دشمن است».

وی خاطرنشان کرد: «جریان مردم، مقدس است اما به عنوان خلق خدا بودن؛ اگر جریان مردم به عنوان جریان ضد ارزشی بخواهد مقابل خدا بایستد، شرک است و باید نابود گردد». این حقیقت را هم به خوبی می دانیم که مقصود وی از خدا، هزاران آخوند و آیت الله مفتخوار و انگل پیشه و کینه توز است. هزاران امام جمعه و حجت الاسلام و مرجع تقلید و مجتهد و دزد و دشمن ایران و دشمن زن و آزادی و حقوق بشر و پیشرفت است که قرن هاست دسترنج زحمتکشانش را خورده و شکم گنده کرده اند.

از طرفی آن ساده اندیشانی که گمان می برند که امروز دنیا دیگر نمی پذیرد و اجازه وجود و بروز چنین شرایط و وضعیتی را نخواهد داد و منبع رژیوم اسلامی در جهانی به کوچکی دهکده که از همه سویش فریاد دموکراسی خواهی به هواست، قادر نخواهد بود ملت ایران را سرکوب و خفه کند، مگر نمی بینند که همین غرب مدرن و پیشرفته چگونه دیکتاتوری حسنی مبارک در مصر و حکومت وحوش وهابی در عربستان سعودی را حمایت می کند؟

کافی است اختناق و انقیاد و گرسنگی و زندگی پر از زجر و شکنجه مردم کره شمالی را در نظر بگیرید و ببینید که چگونه غرب متمدن با سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشرش، چند دهه است که چشمش را بر تمامی ادبار و سیه روزی این ملت بسته است و با معامله و بازی های پشت پرده و اغفال و سرگرم ساختن دنیا با مضحکه و جنجال بر سر فعالیت های اتمی و سلاح های کشتار جمعی، زندگی نکبت بار مردم کره شمالی را به فراموشی سپرده است.

هم اتحادیه استعمارگران اروپا و هم ایالات متحده آمریکا که به قولی وزارت امور خارجه اش در لندن است و آن حسین اوبامای اسلامناواز و کمپانی های جهانخوارش، اگر منافعشان را در حفظ جمهوری اسلامی بدانند، بدون هیچ تردیدی در برابر خواست و اراده و آرزوی دیرینه هفتاد میلیون ایرانی با تمام قوا می ایستند. استعمارگران هرگز هیچ دغدغه ای از بابت حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، آنجا که با منافع و سیاست های غارتگرانه خود تضادی پیدا کند، نداشته و ندارند. بلکه سرکوبگران واقعی و پیگیر آزادی و دموکراسی و سکولاریسم در سرتاسر جهان بوده و هستند.\*

در پایان شاید لازم باشد به آندسته از هم میهنانی که گمان می کنند راقم این سطور در خارج و دور از گود نشسته و نسخه می پیچد، خاطر نشان سازم که برعکس، بنا به دلایلی هرگز موفق نشدم

حتا چند روزی جهت سیاحت و گردش هم از ایران خارج شوم. با نام مستعار می نویسم و خوشبختانه روز یکشنبه(24 خرداد 88) یک ضربت باتوم از مأموران نوش جان کردم که به پشتم اصابت کرد و اگر سرم را ندزیده بودم دیگر نفسم بالا نمی آمد و اکنون در خدمت شما نبودم. سال 57 نیز آنان می زدند و ما می خوردیم، امروز هم چنین است و با این سن و سال بالا که آردمان را بیختم و الکمان را آویختم، دیگر هیچ ترسی حتا از مردن در راه آزادی در وجودمان راهی ندارد که موجب افتخار هم هست. این سخنان البته با احساس عمیق قدردانی و سپاس نسبت به مبارزه و روشنگری های ارزشمند هموطنانی بر زبان جاری می شود که سی سال تبعید و دربدری در اطراف و اکناف جهان را پذیرفتند و هرگز از فکر آزادی ملت ایران غافل نگشتند.

سخنان آخوند اعلم الهدی:

<http://www.aftab-news.com/vdcaw6na.49nay15kk4.html>

[siamakmehr@yahoo.com](mailto:siamakmehr@yahoo.com)

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>  
<https://the-derafsh-kavivani.com/>